

# بنزین فقط یک تلنگر بود!

## جعفر گلابی

در نوشتن و نصیحت بی‌قدرتان برای قدرتمندان تاثیری نیست، اساساً این دو از زوایه‌های متفاوتی به دنیا می‌نگرند و چه بسا گفته شود در دو دنیای جداگانه زندگی می‌کنند و بسیار مشکل است که حرف یکدیگر را آنچنانکه باید بشنوند و بفهمند، چون خواجه شیراز که آهش در مخاطب خود قوت تاثیر نبود و در این گفت‌وگو چنان ناامیدی نشان می‌دهد که جز فزونی خویشتن تدبیری نمی‌بیند! با این مقدمه دیگر بسیاری برای ثبت در تاریخ می‌نویسند و جالب آنکه آنجا هم انباشته شده و آیندگانی که خواهند آمد و جزئیات وقایع زمانه ما را می‌خوانند و به تعداد کثیر دعوت‌ها و مشفقانه‌ها برای اصلاح امور برخواهند خورد دیگر نخواهند پرسید چرا کسی چیزی نگفت؟ چرا فریادی بلند نشد و چرا گاهی بدیهیات مصالح کشور نادیده گرفته شد؟ در جهان و تاریخ همواره میان حکومت‌ها و مخالفان اصطکاک و تنازع و حتی جنگ و درگیری و گاهی گفت‌وگو برقرار بوده است و اغلب تعیین‌کننده و فیصله‌بخش این دوگانگی و تضارب و تناقض، قدرتمندان بوده‌اند و هزینه‌اش را ملتها نقدا پرداخت کرده‌اند. در ایران خودمان خصوصاً در تاریخ معاصر بیش از صد سال است که این کشاکش برقرار و حوادث و تحولات بسیار آفریده است. اما سال‌هاست که مخالفان مصلح در کار و زاری سخت و نفسگیر و پرهزینه تلاش می‌کنند تا صاحبان قدرت را متوجه سازند که در بسیاری از زمینه‌ها راه‌شان خطاست و باید تغییر روش دهند تا حوادث سهمگین و هزینه‌های سنگین متوجه کشور نشود.

نکته بسیار مهم حجم خیرخواهی‌ها و روشنگری‌ها و واقع‌نمایی‌ها از سوی طیف‌های مختلف منتقد و مخالف از عالمان و دانشمندان و نویسندگان و واعظان تا فیلسوفان و شاعران و اساتید و دانشجویان و فعالان عرصه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و محیط‌زیستی و سینمایی غیربرانداز است. شاید بتوان مدعی شد که این حجم از خیرخواهی و نصیحت و انتقاد و پرهیز از خشونت و دوری از تحریک و میل حرصانه برای اصلاح امور از طرق قانونی تاکنون بی‌سابقه بوده است و باوجود کمترین اثر ممکن گویی در همه نوشتن‌ها و گفتن‌ها امیدی عجیب و مبهم و شاید بی‌دلیل به چشم می‌خورد! شاید راه دیگری وجود ندارد، چراکه نه زمان زمانه انقلاب است و نه انقلاب کار درستی

است و نه نگاه به بیگانه کاری عقلایی و از سر شعور است. هفته پیش هنوز ماجرای پرخطر هک سیستم توزیع بنزین سهمیه‌ای کشور پیش نیامده بود که نوشتن جرقه‌های حوادث ناخوشایند رو به ازدیادند و برقشان چشم‌ها را خیره و نگران می‌کند. خودسوزی پسر يك شهید، سیلی يك نظامی به نظامی دیگر در انظار عمومی، تجمعات مختلف صنفی در کنار بالا رفتن آمار طلاق و اعتیاد و پایین آمدن تعداد ازدواج و اوج‌گیری مهاجرت از کشور و شیوع بی‌وقفه اختلاس‌ها با پیش‌زمینه فراخ تورم و بیکاری و سفرهای خالی اقشار بزرگی از جامعه قابل عبور و اغماض و بی‌بحران نیست. وقتی يك نماینده اصولگرای مجلس می‌گوید 40 میلیون نفر از افراد جامعه نیازمند کمک فوری هستند حدیث مفصلی است که مدعی را از تطویل نوشتن بی‌نیاز می‌کند. حالا ناگهان در این بی‌سامانی عظمی ناگهان حساس‌ترین سیستم مرتبط با همه امور مردم یعنی توزیع بنزین مخدوش می‌شود و جامعه را به يك شوک مبتلا می‌کند. البته مسوولان متوجه آسیب‌پذیری بسیاری از زیرساخت‌ها شدند و لابد تلاش گسترده‌ای برای ایمنی بخش‌های مختلف خواهند کرد ولی بازهم سراغ روبناها رفتند و در استراتژی‌شان ایمنی عمیق و ریشه‌ای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی دیده نشد! کشور ما که از هر سو مورد طمع و هدف برخورد دشمنان است جای خود دارد حتی کشورهای بدون تحریم با ثروت‌های باور نکردنی و سیستم‌های گسترده و فوق مدرن آسیب‌پذیرند و گاهی به هکرها رسماً و عاجزانه باج می‌دهند. آیا در چنین شرایطی می‌توان به تبلیغات گسترده بسنده کرد و رفع مشکلات اصلی را حاشیه‌ای پنداشت؟ برای مقابله با بحران‌ها که خشکسالی توفان‌زا تنها یکی از آنهاست ما باید از تحریم‌ها رها شویم، نارضایتی‌ها فقط از طریق مشارکت مردم در همه امور قابل برطرف کردن است. مشکل اصلی کشور آن نیست که دولت قبلی تنبل بود، رییس‌جمهور با تاخیر متوجه بحران‌ها می‌شد و مدیرانش پرکار نبودند. اگر تحریم‌ها برطرف نشوند و مردم خود را همه‌کاره کشور نبینند و در روابط بین‌الملل مرتباً تشنج بروز کند از پرکارترین و قدرتمندترین و باانگیزه‌ترین دولت‌ها با بیشترین حمایت‌های حکومتی و یکدستی همه قوا و نوازش‌های موردی کارچندانی برنخواهد آمد و تنگنای معیشت اقشار میلیونی و نقصان امیدشان به آینده را برطرف نخواهد کرد. با اتخاذ سیاست‌ها و دیپلماسی تهاجمی باید منتظر حوادث بیشتری از نوع هک سیستم توزیع بنزین بود و شاید با موارد خسارت‌بارتر و در زمینه‌های حیاتی‌تر مواجه شویم. همه نوع ایجاد آمادگی دفاعی لازم است ولی چرا راه آسان‌تر تشنج‌زدایی را نمی‌یابیم؟ بهتر و امنیت‌سازتر ایجاد فضایی با کمترین سطح دشمنی و درگیری است. مثل خیلی‌های دیگر ما آسیب‌پذیریم و نباید مردم در مقابل خسارت‌آفرینی‌ها قرار گیرند و هزینه شعارهای

تند را پرداخت کنند.

□□□□□□ 1400 □□□□ 8 □□□□□□ □□□□□□:□□□□